

پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، صفحه‌ی

کردهای ایزدی (پژوهشی در وجه تسمیه و ریشه‌ی نژادی)

عثمان یوسفی^۱

چکیده

ایزدیه یا همان جامعه‌ی کردهای ایزدی که در کشورهای عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان ساکن‌اند و در طی قرون گذشته مورد توجه مورخان و نویسندگان (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) بوده‌اند، از قدیم‌ترین باورها و اعتقادات دینی منطقه، بهره یافته و در دوره‌های مختلف تاریخی و با ظهور ادیان آسمانی و مکاتب بشری، تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اند. حاصل حضور پیروان ادیان مختلف آسمانی و تمدن‌های بشری و مظاهر فرهنگی آن در بین‌النهرین، حوادث تاریخی، و سرانجام، موقعیت جغرافیایی آنان مجموعه‌ای بود از عقاید مختلط و انحرافی و در بسیاری از موارد خرافی، که در نظام طبقاتی ایزدیان به حیات خود ادامه داد.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد هرسین
تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۲۸ تاریخ تأیید: ۸۸/۲/۱۲

یکی از نقاط کور تاریخ این نخله ، نام آنان است؛ در بیشتر منابع موجود از ایشان تحت عنوان یزیدیه نام می‌برند. در حالی که ، افراد طایفه‌ی مذکور و نیز پارهای از منابع، عنوان ایزدی و ایزدیه را نام درست و صحیح آنان می‌دانند. در این نوشتار، با واکاوی آثار مکتوب درباره‌ی ایزدیه ، و ارائه‌ی تحلیل و تفسیر داده‌ها، بر وجه تسمیه‌ی این فرقه پرتو می‌افکنیم و نتیجه می‌گیریم که برآیند باورها و رفتارهای دینی آنان ، چیزی جز زرتشتی‌گری آمیخته به معتقدات اسلامی، یهودی، مسیحی، و رفتارهای دینی آنان، چیزی جز زرتشتی‌گری آمیخته به معتقدات اسلامی، یهودی ، مسیحی و دیگر مکاتب فکری بشری ، نیست. پس ، نام صحیح این اقلیت دینی ایزدیه است.

واژه‌های کلیدی: ایزدیه ، عدی بن مسافر ، لالش ، موصل ، هکاری ، سنجار ، شیخان

مقدمه

منطقه‌ی بین‌النهرین جزو مهم‌ترین مراکز تمدن‌های باستانی بشر بوده که غنی‌ترین میراث‌های فرهنگی ، باورها ، تصورات و اساطیر ، ادیان ، داستان‌ها و خرافات را در خود جای داده است. همه‌ی این فرهنگ‌ها و آیین‌ها با ویژگی‌های خاصی که داشته ، بر یکدیگر تأثیر فراوانی گذاشته‌اند. با وجود اختلاف‌های فرهنگی و فاصله‌ی مکانی زیاد از یکدیگر ، در بسیاری از ارزش‌ها ، آداب و رسوم ، عادت‌ها و باورهای دینی اشتراک داشته و گاهی میراث‌بر هم‌دیگر بوده اند. پژوهش‌های جامعه‌شناختی و دین‌شناختی نشان داده است که برخی از ادیان و آیین‌های باستانی رو به انحطاط و انقراض گذاشته ، جای آنها را ادیان و اعتقادات جدید دیگری پر کرده است. برخی دیگر نیز به حیات خود ادامه داده و به مرور زمان دچار تغییر و تحول و پیشرفت شده‌اند. البته، نابودی آنها به این معنا نیست که به طور کلی از صفحه‌ی روزگار محو شده باشند؛ بلکه بخشی از مظاهر و ویژگی‌های خود را از دست داده و موارد جدیدتری جایگزین آنها شده

است. به گونه‌ای که تا به امروز نیز بسیاری از نمودهای تمدن‌ها و ادیان باستانی را در میان مردمان این ناحیه مشاهده می‌کنیم.

می‌توان منطقه‌ی بین‌النهرین را بزرگ‌ترین موزه‌ی فرهنگ‌ها و باورهای دینی قلمداد کرد. بدون تردید، تمدن‌هایی از قبیل سومری، اکدی، بابلی، آشوری و کلدانی، و اعتقادات و نحله‌هایی چون مهرپرستی، زرتشتی‌گری، مانویت و دیگر باورها، و طوایف دینی که بعدها ظهور کردند، نقش مهم و بسزایی در حیات فرهنگی مردم منطقه ایفا نموده‌اند. بیشتر باورهای دینی این منطقه ریشه در مظاهر و موجودات طبیعت دارد، به این معنا که انسان مظاهر طبیعی را، گاهی به خاطر جلوه‌های آنها و برخی اوقات هم به امید فعل و انفعالات سودمندشان، پرستش کرده و یا از ترس زبان‌های ناشی از آنها، به تقدیس آن پدیده‌ها مشغول شده است. مثلاً، تقدیس آسمان، خاک، خورشید، ماه، ستارگان و مانندشان، برای خیر و برکتی که در ذات هر یک از آنها وجود دارد. یا عبادت و تقدیس باد، طوفان، رعد و برق، کوه‌ها و جویبارها و رودخانه‌ها و برخی حیوانات، از ترس شر و گزندگی که در وجود و جوهرشان نهفته است. با این وصف، می‌توان گفت که تمدن‌ها و به‌ویژه ادیان بین‌النهرین، بسیار به هم نزدیک‌اند و نقاط مشترک فراوانی با یکدیگر دارند.

شناخت هر یک از ادیان، مکاتب فکری و نحله‌های دینی، مشکلات و دشواری‌های خاص خود را دارد، ولی هیچ یک از آنها را هاله‌های ابهام به اندازه‌ی آیین ایزدیه فرا نگرفته است. هرچند نویسندگان و پژوهشگران زیادی به بررسی عقاید و افکاری ایزدیه پرداخته‌اند، اما تاکنون نظریه‌ی واحدی پیرامون منشأ پیدایش این نحله ارائه نشده است. این خود ناشی از کمبودها و مشکلات زیر است:

۱. انجام نگرفتن کاوش‌های باستان‌شناختی در مناطق ایزدی‌نشین، که به طور یقین می‌تواند راه‌گشای پی بردن به بخش عظیمی از عقاید آنان باشد.
۲. در دست نبودن کتاب‌های مقدس ایزدیه به صورت مکتوب.

۳. نبود تسامح دینی و تداوم اسلام سیاسی، که نه تنها به ادیان مخالف خود آزادی عمل نداده، بلکه در بسیاری مواقع آنها را از صحنه‌ی اجتماعی کنار زده و با روا داشتن تهمت و ناسزا باعث بدبین شدن جامعه نسبت به آنها شده است.
۴. پیش داوری‌های ملی و مذهبی بسیاری از نویسندگان معاصر.
۵. شرایط سخت جغرافیایی محل سکونت ایزدیه.
۶. سرانجام، کتمان عقیدتی و عدم تیشیری بودن دیانت ایزدی، که مانع بزرگی بر سر راه شناخت ریشه‌های اعتقادی ایزدیان شده است.
- با وجود این، آنچه تحمل این مشکلات و دشواری‌ها را آسان کرده و شناسایی تاریخ، اصول اعتقادی و آداب و رسوم ایزدیان را بیش از پیش ضروری ساخته است، تداوم حیات اجتماعی- فرهنگی و تاریخ پرفراز و نشیب آنان است، که خود نشان از وجود نیرو و پویایی ذاتی و قدرت بالای تطبیق و هم‌پوشانی ایزدیان با پیروان دیگر ادیان دارد. عامل دیگر، حضور فعال آنان در معادلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مناطق کردنشین است.
- ایزدیان، که با نام‌هایی چون شیطان‌پرست و یزیدی نیز شناخته شده‌اند، بخشی از جامعه‌ی مردم کرد را تشکیل می‌دهند. این نحله‌ی اعتقادی، که بیشتر مورخان و علمای دانش ملل و نحل، زمان پیدایش آن را به قرن ششم هجری و شیخ عدی نسبت می‌دهند، گروهی هستند که با عمری طولانی و بسترهای اعتقادی کهن در منطقه حضور داشته و اکنون در گستره‌ی وسیعی از خاک مناطق کردنشین کشورهای عراق (استان‌های موصل و دهوک)، سوریه (شهرهای حلب، کلس، حسکه، عینتاب و منطقه‌ی جراج)، ترکیه (طور عابدین، دیار بکر، سیرتی، جیل طور، بطمان، موش و قلب) و دیگر کشورها، از جمله ارمنستان (شهرهای قارص، ایروان، تفلیس و باطوم)، روسیه (مسکو، لنین گراد و منطقه‌ی قفقاز)، گرجستان و آلمان (بن و هانوفر) پراکنده و ساکن‌اند، و ۲٪ درصد کل جمعیت گُردها را به خود اختصاص می‌دهند.
- ایزدیان به لحاظ نژادی و قومی از مردمان کرد هستند. از آنجا که در طول تاریخ و در اثر برخورد با تمدن‌های مختلف، ادیان آسمانی و مکاتب فکری بشری و اقتباس از آنها، دستخوش

تحولات بنیادی شده‌اند، ریشه‌یابی زمان پیدایش و باورهای آنان دشوار است. در برخی از باورهای خود با آیین زرتشت مطابقت دارند؛ برخی عقاید و مظاهر فرهنگی آنان برگرفته از مسیحیت است؛ بخش اعظم باورهای ایزدیان بعد از ظهور اسلام شکل اسلامی به خود گرفته است.

وجه تسمیه. دیدگاه‌های رایج پیرامون نام‌گذاری این فرقه را می‌توان به پنج دسته به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود:

۱) برخی را اعتقاد بر آن است که ایزدیه پیروان و طرفداران یزید بن معاویه، خلیفه‌ی اموی بودند که در جریان واقعه‌ی کربلاء و شهادت مظلومانه‌ی حسین بن علی(ع)، از وی حمایت کردند و بعد از مرگ وی قائل بودند که او دوباره ظهور خواهد کرد.

بنا بر این دیدگاه نام درست این فرقه، یزیدیه است.^۱

صدیق‌الدملوجی معتقد است که نام‌گذاری این فرقه به یزیدیه، مستلزم هیچ‌گونه انتساب آنان به یزید بن معاویه و هیچ‌یک از افراد خانواده‌ی بنی‌امیه نیست؛ بلکه اینان خانواده‌ای بودند که در قرون دوم و سوم هجری ظهور کردند.^۲ وی می‌گوید: «این اسم و نام برای چنین فرقه‌ای و

۱. سعید الدیوه جی، (۲۰۰۳م) /الیزیدیه، بیروت مؤسسه‌ العربیة للدراسات و النشر، ط ۱، ص ۱۴؛ آزاد سعید سمو، (۲۰۰۱/۵۱۴۲۲م)، *الیزیدیه من خلال نصوصها المقدسة*، بیروت، دارالمکتب الإسلامی، ط ۱، صص ۳۸ و ۲۳؛ أحمد بن عبدالعزیز الحصین، (۲۰۰۱/۵۱۴۲۱م)، *الیزیدیه (عبدة الشیطان)*، الرياض، دارعالم الکتب، ط ۱، ص ۱۱؛ عبدالکریم السمعانی، (۱۹۹۸م) /الانتساب، ج ۵، تحقیق، عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالفکر، ص ۹۳؛ عبدالرزاق الحسینی، *الیزیدیون فی حاضرهم و ماضیهم*، بغداد، مکتبة القیطة العربیة، ط ۱، صص ۱۴-۸؛

-The Encyclopedia Americana, (۱۹۷۳), International Edition, vol. ۲۹, New York, Americana Corporation, p. ۶۷۷. Art "Yazidies".

۲. صدیق‌الدملوجی، (۱۹۴۹/۵۱۳۶۸م) /الیزیدیه، الموصل، مطبعه‌ی الاتحاد، الطبعة الأولى، صص ۱۶۴-۱۶۳.

با این افکار و اعتقادات، در تواریخ و کتب ملل و نحل قبل از سده‌ی ششم هجری نیامده است. حتی این نیز خطاست که بگوییم شیخ عدی خود این اسم را بر پیروان خویش نهاده است؛ بلکه درست و صحیح‌تر آن است که این نام را نویسندگان مسلمانان (اعم از مورخان، فقهاء و غیره) در آغاز قرن هشتم هجری بر آنان اطلاق کرده‌اند.^۱

زهیر کاظم عبود، نیز، پس از ذکر آرای نویسندگان پیش از خود و غلط و واهی دانستن برخی از آنها، چنین می‌نویسد: «تا آنجایی که من خوانده و دیده‌ام، هیچ سندی دال بر انتساب و تمایل این طایفه به یزید بن معاویه نیافته‌ام. این درحالی است که حتی در کتب مقدس‌شان، ولو به صورت اشاره، نیز از یزید نامی ذکر نشده است. چنانچه گرایش و تمایلی در آنان نسبت به بنی امیه وجود داشت، تاریخ آن را ثبت و ضبط می‌نمود. همچنین، از اینکه آنان فرقه‌ای اسلامی و یا مسیحی و غیره بوده باشند، نیز سخنی به میان نیامده است. تنها امر ثابت شده این است که یکی از دوران‌های تاریخی این فرقه مقارن و مصادف است با ظهور شیخ عدی بن مسافر.»^۲

۲) دیدگاه رایج در کتب ملل و نحل این است که ایزدیه پیروان فردی خارجی به نام یزیدبن انیسه هستند. شهرستانی در شرح فرق خوارج ذیل «یزیدیه» چنین می‌گوید: «آنان پیروان یزیدبن انیسه هستند که وی در ماجرای حکمیت قائل به تولی بود، و غیر از ازارقه، از سایر فرقه‌های خوارج دوری و تبرا می‌جست. وی همچنین گمان می‌برد که خدا از غیرعرب پیامبری را مبعوث خواهد کرد، و کتابی را که در آسمان‌ها نوشته شده است بروی نازل خواهد

۱. همان، ص ۱۷۳.

۲. زهیر کاظم عبود، (۱۹۹۵م) *لمحات عن الیزیدیه*، بغداد، مکتبه النهضه، ط ۱، صص ۱۷-۱۵؛ زهیر کاظم عبود، (۲۰۰۳م) *الیزیدیه (حقائق و خفایا و أساطیر)*، آلمانیا، مرکز قنديل للنشر و الإعلام، ط ۱، صص ۴۱-۳۱.

نمود. دین محمد مصطفی (ص) متروک خواهد ماند و مردم بر آیین صابئه خواهند بود. البته، نه صابئه‌ی حران و واسط.^۱

۳) بعضی از پژوهشگران معتقدند که ایزدی‌ها منسوب به شهر یزد ایران هستند و برای اولین بار، در این شهر ظهور کردند و بعدها در دیگر مناطق پراکنده شدند.^۲

۴) عده‌ای می‌گویند ایزدیه فرقه‌ای ضاله و گمراه‌اند که در اصل پیروان شیخ عدی بن مسافر (۵۵۷-۵۴۶۷ه) بوده‌اند. این فرقه ابتدا یک طریقه‌ی صوفیه بودند و بعد از وفات شیخ عدی و ظهور شیخ حسن ابوالبرکات - یکی از نوادگانش - دچار انحراف شدند.^۳

در موسوعه‌ی *الأديان في العالم* چنین آمده است: «منابع تاریخی و پژوهش‌های جدید و حتی خود ایزدیان بر این باورند که اصل و نسب و زمان ظهور آنان به شیخ عدی بن مسافر برمی‌گردد که در یکی از روستاهای لبنان به نام «قنارف» دیده به جهان گشود.»^۴

۱. ابوالفتح عبدالکریم شهرستانی، (۱۹۸۴م) *الملل و النحل*، ج ۱، تحقیق محمد سید گیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ص ۱۳۶؛ عبدالقاهر بن طاهر بن محمد البغدادی، (۱۹۷۷م) *الفرق بین الفرق*، ج ۱، بیروت، دارالافتاح الجديدة، صص ۳۴۹، ۲۶۳، ۲۲۲، ۵۵، ۱۸، ۱۱؛ علی بن اسماعیل ابوالحسن الأشعری، (بی‌تا) *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، تحقیق هلموت ریتز، بیروت، دار إحياء التراث، ط ۳، بی‌نا، ص ۱۰۳؛ طاهر بن محمد ابوالمظفر الإسفراینی، (۱۴۰۳ه) *التبصیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه*، تحقیق کمال یوسف الحوت، بیروت، دارعالم الکتب، ص ۲۴؛ عزالدین عبدالرحمن بن احمد الایجی، (۱۴۱۷ه) *المواقف*، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت، دارالجلیل، ط ۱، ص ۶۹۴؛ محمد عبدالرئوف المناوی، (۱۴۱۰ه) *التعاریف*، تحقیق محمد رضوان الدایبه، بیروت-دمشق، دارالفکر المعاصر، ص ۷۴۹.
۲. خلف الجراد، (۱۹۹۵م) *الیزیدیه و الیزیدیون*، اللادقیه، دارالحوار، ط ۱، ص ۱۵؛ محمد امین زکی بگ، (۱۹۳۶م)، *خلاصه تاریخ الکرد و کردستان من أقدم العصور تاریخیه حتی الآن*، تعریب محمد علی عون، القا، مطبعه السعاده، ص ۲۹۴.
۳. عبدالقادر صالح، (۲۰۰۳/۱۴۲۴م) *القائد و الأديان*، بیروت، دارالمعرفه، ط ۱، صص ۲۸۴-۲۸۳.
۴. موسوعه‌ی *الأديان في العالم*، (۲۰۰۰م) ج ۹، ص ۴۹؛ عبدالقادر صالح، (۲۰۰۳/۱۴۲۴م) *القائد و الأديان*، بیروت، دارالمعرفه، ط ۱، صص ۲۸۴-۲۸۳.

آزاد سعید سمو بیان می‌کند که «ایزدی‌ها نیز خود را از پیروان شیخ عدی بن مسافر به شمار می‌آورند. بدون شک، نسب شیخ عدی به بنی امیه برمی‌گردد؛ بنی امیه‌ای که در دوران خلافت عباسی خواستار احیای مجد و شکوفایی عروبت اموی و بازپس‌گیری خلافت از بنی‌عباس بودند. شیخ عدی، یزید بن معاویه را از پیشوایان هدایت، راستی و تقوا می‌دانست. این عقیده و تفکر در میان پیروانش نیز جا افتاد. وی همچون یاران و پیروان خود را از نفرین یزید بن معاویه برحذر داشت و این امر باعث شد تا روز به روز محبت و دوستی یزید و غلو و اغراق در مورد او در میان این طایفه بیش از پیش باشد.»^۱

عبدالمنعم الحفنی با اعتقاد به اسلامی بودن این فرقه، در توصیف آنان چنین گفته است: «ایزدیه که شیطان‌پرست هم خوانده می‌شوند، از پیروان افراطی و غالی عدی بن مسافر بن اسماعیل (۵۵۷-۵۴۶۷) هستند و ایزدیه او را شیخ عادی و هادی هم می‌گویند.»^۲

احمد تیمور پاشا در مورد نسب ایزدیه چنین می‌گوید: «آراء و نظرات پیرامون ایزدی‌ها و اسم و نسب آنان بسیار زیاد است؛ ولی باید دانست که در تواریخ قبل از قرن ششم هجری نامی از این فرقه نیامده است؛ بلکه نام‌گذاری این طایفه به این اسم به عنوان یک طریقت صوفی، به زمان شیخ عدی بن مسافر برمی‌گردد. در ابتدا عدویه خوانده می‌شدند. زمان تغییر نام عدویه به ایزدیه نامشخص است.»^۳

محمد تونجی (۱) معتقد است هر چند قبل از قرن ششم هجری نامی از ایشان در منابع ذکر نشده است، لکن این امر نمی‌تواند دال بر عدم وجود این فرقه باشد. در ضمن، وی تأکید می‌کند با

۱. آزاد سعید سمو، (۱۳۲۳/۲۰۰۱م) *الیزیدیة من خلال نصوصها المقدسة*، دار النفائس للطباعة و النشر و التوزیع، ط ۱، ص ۳۵؛

أسعد السحمرانی، (۱۳۱۴/۱۹۹۷م) *الصائبة الزرادشتية، الیزیدیة، بیروت*، دار النفائس للطباعة و النشر و التوزیع، ط ۱، ص ۶۳.

۲. عبدالمنعم الحفنی، (۱۹۹۹م) *موسوعة الفرق و الجماعات و المذاهب و الأحزاب و الحركات الإسلامية*، بیروت، مکتبه مدلولی، الطبعة الثانية، ص ۶۹۰ ش ۷۵۱.

۳. احمد تیمور پاشا، (۱۳۴۷/۵۱۳۴۷) *الیزیدیة و منشأ نحلتهم*، القاہرہ، المطبعة السلفية و مکتبته، ط ۱، ص ۴۲.

درک مقام و جایگاه شیخ عدی بن مسافر، به طور قطع می‌توان گفت که ایزدیه از پیروان وی بوده و در طول تاریخ و با گذر زمان دچار انحراف و غلو شده‌اند.^۱

عبدالرحمن شرفکندی، که در کتاب *خاطرات خویش بخشی را تحت عنوان «سفری به لالش»* آورده است، می‌نویسد: «روزی با دوستان بگفتیم که به لالش، معبد ایزدیه برویم... راه را با سختی‌ها و گرفتاری‌هایی که داشت پیمودیم تا به وادی لالش رسیدیم... به هر حال، به عقیده‌ی من آنان در اصل یکی از فرقه‌های مسلمان بوده که با ورود افراد و افکار باطل به میان ایشان، از اسلام خارج شده‌اند...»^۲.

عباس العزاوی، ایزدی‌ها را فرقه‌ای از فرق مسلمانان و از پیروان و اتباع شیخ عدی می‌پندارد.^۳

در بریتانیکا آمده‌است: «شیخ عدی، رهبر و پیشوای ایزدیان در قرن دوازدهم میلادی، یک مسلمان صوفی‌منش بود که بعد از مرگ وی آرامگاهش معبد و عبادتگاه ایزدیان شد. آن معبد در شمال موصل و در منطقه‌ای واقع شده است که مسیحیان نسطوری نیز ساکن‌اند.»^۴

رشید الخیون نام درست و صحیح این طایفه و فرقه را ایزدیه می‌داند، نه یزیدیه.^۵

(۵) دیدگاه پنجم اعتقاد دارد که ایزدیه خود یک آیین و کیش باستانی قوم کُرد بوده و انتساب آنان را به هر قومیت دیگر غیر کُرد، مردود می‌داند. در این رویکرد، توجه ویژه‌ای به ارتباط بین ایزدیه و یزدان پرستی، کیش مردمان ایران باستان، شده است؛ به طوری که برخی از نویسندگان کرد ایزدی و غیر ایزدی، زمان پیدایش این آیین را بر ظهور زرتشت مقدم می‌

۱. محمد التونجی، (۱۹۹۹/۵۱۴۲۰م) *الیزیدیون (واقعهم، تاریخهم، معتقداتهم)*، بیروت، المكتبة الثقافية، ط ۱، صص ۷۴-۷۳.

۲. عبدالرحمن شرفکندی، *خاطرات*، صص ۴۱۳-۴۱۲.

۳. عباس العزاوی، (۱۹۳۵/۵۱۳۵۴م) *تاریخ الیزیدیة و أصل عقیدتهم*، بغداد، مطبعه‌ی بغداد، صص ۱۱-۷.

۴. *The New Encyclopedia Britannica*, (۱۹۹۸), ۱۵ th Edition, vol. ۱۲, Chicago-London, p. ۸۰۷, Art.

“Yazidis”.

۵. رشید الخیون، (۲۰۰۳م) *الأديان و المذاهب بالعراق*، کولونیا-آلمانیا، منشورات الجمل، الطبعة الأولى، ص ۶۳.

دانند. اغلب صاحب نظران غربی، که در این باره مطلبی نوشته‌اند، بر این باورند که ایزدی آیینی باستانی و در میان مردمان کرد رایج بوده، و در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده و با آیین‌ها و دیگر ادیان منطقه درآمیخته است.

شرف خان بدلیسی در ذکر امرای ایزدی از آنان با عنوان «الایزدیه الیزدانیه» یاد می‌کند.^۱

زکی بگ در کتاب خود به نقل از د یگران، آورده است: «علت نام‌گذاری این نحله به ایزدی، به اعتقاد آنان باز می‌گردد. اینان به وجود خدایی (اله‌های) که ایزد یا یزدان خوانده می‌شود، اعتقاد دارند، و انتساب ایشان به یزید بن معاویه به دور از استدلال عقلی و نقلی می‌باشد.»^۲

ژنرال احسان نوری پاشا گفته است: «پیروان این آیین با نام و اسم «ایزدی» معروف‌اند، و کردها نیز بر ایشان عنوان ایزدی اطلاق می‌کنند. مگر مردمان و اقوام همسایه که با اغراض و نیت‌های سیاسی سوء ایشان را یزیدی می‌خوانند.»^۳

وجه تسمیه‌ی ایزدی‌ها به غلط منسوب به یزید بن معاویه شده، در حالی که اصل ریشه‌ی آن از یزدان‌پرستی مشتق شده است که در *اوستا* یزتا و در پهلوی یزد و در فارسی جدید یزدان گویند.^۴

بنابر باور برخی، ایزدی یک واژه‌ی کُردی است که از ریشه‌ی یزدانی و یزدان‌پرستی مشتق شده است و از بازماندگان زرتشت هستند.^۱

۱. امیر شرفخان بن شمس الدین بدلیسی، (۱۳۷۷ش)، شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، تهران، اساطیر، ج ۱، صص ۱۴۷ و ۳۲۳.
۲. محمد امین زکی بگ، (۱۹۳۶م)، خلاصه تاریخ الکرد و کردستان (من أقدم العصور التاريخیه إلى الآن)، تعریب محمدعلی عونى، القاهرة، مطبعه السعادة، ص ۲۹۳.
۳. احسان نوری پاشا، (۱۳۳۳ش)، تاریخ ریشه‌ی نژادی کرد، تهران، چاپخانه‌ی سلطنتی سپهر، ج ۱، ص ۴۹.
۴. رشید یاسمی، (۱۳۶۳)، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، تهران، امیرکبیر، ج ۲، صص ۱۲۷-۱۲۵.

انور مایی بیان می‌کند که ایزدیه در روزگاران باستان زروانیه نامیده می‌شدند (منسوب به زرتشت) نامیده می‌شدند. اما این که به نام ایزدی مشهورند، بدان دلیل است که آنان خدا را یزدان می‌گویند و تفسیر و توضیح این واژه، یعنی خالق رازق؛ و این واژه نزد آنان جایگاه والایی دارد تا جایی که نمازهای خود را با نام وی آغاز می‌کنند.^۲

علی سیدو کورانی می‌گوید که نام ایزدیه از واژه‌ی گردی یزدان مشتق شده است و آن به معنای خالق و خداست.^۳

درویش حسو بر این باور است که محل تولد زرتشت سرزمین ماد بوده و سپس به شرق ایران مهاجرت کرده است. قبل از ظهور زرتشت، مردمان آریایی این منطقه [کردستان فعلی] به خدای واحدی اعتقاد داشته‌اند و خود را «ازداهيون»، مردمان برتر خدا و پیروان مباشر او، می‌خواندند. این تفکر (ازداهی) با تحول و تغییر در کردستان به صورت آیین و دین مستقلی جلوه نمود که اعتقادات و آموزه‌های خاص خود را دارد.^۴

شاکر فتاح چنین گفته است: «...من خود با استدلال به آرای افرادی چون دکتر وهبی و دیگران، و نیز استنتاج عقلی، بر این باورم که یا به دلیل گرایش به آیین یزدانیسم به این نام مشهور شده‌اند، یا به دلیل خداپرستی، خود را ایزدی نامیده‌اند».^۵

قُسطنطین زوربیک در مقدمه‌ی *الیزیدیه قدیمًا و حدیثًا* نوشته است که ایزدیه به دو واژه‌ی یزدان، که در زبان فارسی به معنای «خدا» است، و ایزد، که در آیین زرتشت مقامی است بین

۱. کریم زند، (۱۹۷۳م) *الدین و الاعتقاد فی کردستان*، موصل، بی‌ناص، ۲۸: مهرداد ایزدی، (۲۰۰۲) *الدیانة و الطوائف الدینیة فی*

کردستان، تعریب کامران فهمی، سلیمانیه، مطبعة الفکر و الوعي، ص ۶۳.

۲. انور المایی، (۱۹۹۹م) *اماره بهدینان*، دهوک، مطبعة خه بات، ط ۲، ص ۸۳.

۳. علی سیدو کورانی، (۱۹۹۶م) *من عمان الی العمادیه (جول فی کردستان الجنوبیه)*، عمان، دارالبشیر، ط ۲، ص ۱۶۸؛

- Mehrdad Izady, (۱۹۹۲), *The Kurds*, Washington, p. ۱۵۳.

۴. درویش حسود، (۱۹۹۲م) *الازداهيون الیزیدیون*، بون - آلمانیا، ط ۱، صص ۱۶-۱۵.

۵. شاکر فتاح، (۱۹۶۹م) *الیزیدیون و الدیانة الیزیدیه*، سلیمانیه، مطبعة کامران، ط ۱، صص ۱۷-۱۶.

خدا و بشر، یعنی ملائکه، نزدیک است. پس با این وصف، مفهوم و معنای واژه ایزدیه «پیروان خدا» یا «پیروان ملائکه» خواهد بود.^۱

کسانی که قائل به این دیدگاه (انتساب ایزدیه به یزدان پرستی و زرتشت) هستند، بر اشتقاق عنوان ایزدیه از واژه‌ی یزدان و یا ایزد، که در زبان فارسی معنای خدا و موجود مافوق بشری را می‌رساند، اتفاق نظر دارند.^۲

فرضیه‌ی اخیر، که قائل به ریشه‌ی زرتشتی و میتراپی ایزدیان است، بدان سبب مورد پذیرش است که صاحبان این نظر با بررسی ریشه‌های اعتقادی ایزدی‌ها، و با استفاده و استمداد از روش‌های علمی و یافته‌های مردم‌شناختی توانسته‌اند بقایا و آثار تفکر مهرپرستی و زرتشتی‌گری را در باورهای دینی این فرقه بیابند. علاوه بر این، پیروان این آیین در بسیاری از عادات و آداب و رسوم خود میراث‌های باستانی بین‌النهرین (سومری‌ها، بابلی‌ها و آشوری‌ها) هستند.^۳

آنان، علاوه بر آنچه گفته شد، به نام‌های دیگری، همچون چلبی، داسنی و صاجلیه (۲) نیز مشهورند. واژه‌ی چلبی را تنها واسیلی نیکیتین ذکر کرده است. البته، وی نیز از پروفیسور مار روسی چنین واژه‌ای را اخذ و اقتباس نموده است.^۴

ریشه‌ی نژادی و قومی ایزدیان

۱. اسماعیل جول بگ، (۱۹۳۴م) *الیزیدیة قديماً و حديثاً*، نشر و تحقیق قسطنطین زریق، بیروت، المطبعة، الأميرکانيه، ط ۱، ص ۱.
۲. سلیمان صافع، الموصلي القس، (۱۹۳۳) *تاريخ الموصل*، ج ۱، القاهرة، المطبعة السلفية، ص ۲۵۹.
۳. جرج حبیب، (۱۹۷۸م/۲۰۰۳م) *اليزيدية بقايا دين قديم (بحث تاريخي)*، بغداد، مطبعة المعارف، ط ۱، ص ۴۰۵؛ کاظم حبیب، (۲۰۰۳م) *اليزيدية ديانة قديمة تقاوم نواب الزمن*، آر بیل، دارتاراس للنشرالکردی، ط ۱، ص ۳۰.
۴. واسیلی نیکیتین، (۱۳۷۸ش)، *کرد و کردستان (بررسی جامع از دیدگاه سیاسی، جامعه شناسی و تاریخی)*، ترجمه‌ی محمد قاضی، تهران، کانون فرهنگی انتشاراتی درایت با همکاری مرکز حفظ و نشر آثار محمد قاضی، چ ۳، ص ۴۷.

درباره‌ی اصل و ریشه‌ی قومی آنان باید گفت که از نژاد کرد هستند و جزء جدایی ناپذیر آن قوم به شمار می‌روند. هر چند که پژوهش‌های غربی سعی دارند تا ریشه‌ی آنان را به اقوام غیرکرد نسبت دهند، لکن این تلاش‌ها در مقابل حقایق روشن و علمی بی‌اثر و باطل است. با مشاهده‌ی جامعه‌ی ایزدیان، انطباق کامل فرهنگی-اجتماعی آنان با کردها قابل درک است.^۱ بنابر اعتقاد مردم شناسان و مورخان، مردم کرد، قدیم‌ترین و باسابقه‌ترین ساکنان منطقه و شاخه‌ای از اقوام هندو-اروپایی (آریایی‌ها) هستند که در آن ناحیه حضور داشته‌اند. بر این اساس، قدیمی‌ترین معتقدات و باورهای دینی اقوام مذکور در بین کردها رایج بوده است. اصلی‌ترین شاخصه‌ی فرهنگی هر قومی زبان آن است. ایزدیان علاوه بر اینکه به زبان کردی تکلم می‌کنند، دو کتاب مقدس آنان نیز به زبان کردی و رسم الخط ابجدی باستان نوشته شده‌اند.^۲ در کتاب *مفصل الجغرافیه العراقیة* نیز آمده که ایزدی‌ها به لحاظ نژادی از قوم کرد هستند.^۳

بدلیسی، ضمن بیان ولایت موصل و شام، به قبایل و دسته‌هایی در قلمرو آن دو ولایت اشاره می‌کند که پیرو آیین و کیش ایزدی و از مردم کرد هستند.^۴

۱. جرنوت فیستر، (۱۹۹۴م)، «تاریخ الشعب الیزیدی و دیانه»، تعریب فرهاد ابراهیم، *مجله‌ی لالش*، ش ۱۳-۱۲، ص ۱۱۴.

۲. هنری فیلد، (۲۰۰۱م)، *جنوب کردستان (دراسة انترو بولوجیه=پژوهشی مردم شناسانه)*، تعریب جرجیس فتح الله، اُربیل، دارناراس، ط ۱، صص ۱۰۸-۱۰۷؛ لیدی درور، (۱۹۶۱م) *فی بلاد الرافدین/صور و خواطر*، تعریب فؤاد جمیل، بغداد، مطبعه‌ی شفیق، ط ۱، صص ۲۶۸؛ فتاح شاکر، (۱۹۶۹م) *الیزیدیون و الدیانه الیزیدیة*، سلیمانیه، مطبعه کامران، ط ۱، صص ۲۵.

۳. طه الهاشمی، (۱۹۳۰م) *مفصل جغرافیه العراقیة*، بغداد، بی‌نا، ط ۱، صص ۱۰۹-۱۰۸.

۴. امیر شرفخان بن شمس‌الدین بدلیسی، همان، ص ۱۴.

جلادت بدرخان می‌گوید: «ایزدیان کردند و از اصیل‌ترین طوایف گرد به شمار می‌آیند.»^۱

احسان نوری پاشا، ضمن تأیید قدمت آیین و دیانت ایزدیه و تأکید بر آن، آنان را از کردهایی به حساب می‌آورد که بیشتر از سایر طوایف کرد به فرهنگ و سنت‌های باستانی خود پای بند باقی‌مانده‌اند.^۲

عبدالرحمن بدران معتقد است پیروان این فرقه از لحاظ نژادی و زبانی از کردها هستند و زبانی غیر از زبان کردی یاد ندارند و تمام مظاهر فرهنگی این طایفه با سایر کردها همخوانی دارد.^۳

انستاس ماری الکرملی مسیحی در اثر خود در مورد ایزدیه آورده است: «مورخان قدیم، این مردمان [ایزدیان] را در زمره‌ی قبایل و عشایر اصلی گرد برشمرده، و به اختلافات و تفاوت‌های آنان با سایرینش، از قبیل دیانت و آیین، اشاره کرده‌اند.»^۴

نتیجه‌گیری

۱. در هیچ یک از منابع تاریخ اسلام و کتب فرق و نحل نام و نشانی از یزید بن معاویه به عنوان فردی صاحب فرقه نیامده است. او غیر از اینکه یک فرد بی‌لیاقت سیاسی بوده، صاحب هیچ تفکر و اندیشه‌ی خاصی نبوده است تا به وسیله‌ی آن در تاریخ مشهور باشد. نام یزید را تنها می‌توان در حوادث ناگواری همچون واقعه‌ی کربلا و به آتش کشیدن مکه و مانند آنها، در منابع تاریخی یافت.

۱. جلادت بدرخان، (۱۳۶۹/۷۰ش)، «نماز و نیایش‌های کردان ایزدی»، ترجمه‌ی احمد شریفی، مجله‌ی چیستا، ش ۸۰، صص ۷۶۱-۷۵۸.

۲. احسان نوری پاشا، همان، ص ۴۹.

۳. عبدالرحمن بدران، (۱۸۷۶م)، «الیزدیه فی کردستان»، مجله‌ی الجنان، العدد ۷، بیروت، ص ۵۲۶.

۴. انستاس ماری الکرملی، (بی تا)، «الیزدیه»، نسخه‌ی خطی، دهوک، آرشیو مرکز فرهنگی - اجتماعی، لالش، ش ۳۴، ص ۵.

۲. فرقه‌ی مورد نظر ما در هیچ دوره‌ی تاریخی از گزند اعراب مسلمان در امان نبوده‌اند و تنها دشمن قومیی که برای خودمی‌شناسند، اعراب هستند. حال، چگونه می‌توان ادعا کرد که ایزدی‌ها در راستای احیای عربیت اموی تشکیل شده و به حیات خود ادامه داده است! اگر چنین بود، دولت‌های اسلامی در سابق و عربی امروز- ولو برای تأمین منافع سیاسی خود- به حمایت از این تفکر بر می‌خاستند.
۳. اصطلاح «ایزیدی» که از زمان سلطان محمد چهارم عثمانی (۱۶۴۸/م/۱۰۵۷-۱۶۸۰/م/۱۰۹۵) و برای تحقیر ایشان و اهانت به آنان اطلاق شد، ظاهراً بهترین بهانه‌ای بود برای کشتار مردمان بی‌گناه و به اسارت بردن زنان و کودکانشان.
۴. ایزدیه‌ی مورد بحث این تحقیق و پیروان یزید بن انیسه با هم فرق دارند، زیرا آنان فرقه- ای از خوارج و در ابتدا همداستان اباضیه بوده‌اند؛ یزید بن انیسه از اهالی بصره بود و در همان جا قیام کرد و سپس به سرزمین فارس، واقع در ایران، فراری شد. حال آنکه حوزه‌ی جغرافیایی مورد پژوهش این مقاله محدود به نواحی شمال بین‌النهرین است. نزد ایزدی‌ان شخصی به نام یزید بن انیسه شناخته شده نیست؛ و در نهایت باید گفت که در تاریخ فرق و مذاهب افراد زیادی همچون یزید الجعفی نیز وجود داشته‌اند که دارای پیروان و طرفدارانی بوده‌اند.
۵. چنانچه ایزدیه در شهر یزد ظهور کرده باشند، بایستی بر آنان عنوان "یزدیین" اطلاق می‌گردید، نه ایزدیه و یا یزیدیه.

The Izadian Kurds(A research on Reason of their Name and Racial Origin)

O.Yusefi^۱

Abstract

The Kurdish Izadian in Iraq, Turkey, Syria, and Armenia is one of the oldest religious groups in the region. Some of historical sources have named it Yazidiah. But other sources and members of this group have called themselves Izadi or Izadiah. This article will investigate the correct name of the group and also will analyze the root of its beliefs. The author argues that system of beliefs of Izadiah was a mix of Zoroastrian and Islam, Judeo-Christian beliefs and Izadiah is the correct name of this religious minority.

Key Words: Izadiah, Oday-Ibn Mosafer, Lalash, Musel, Hekari Sanjar, Shaikhan.

^۱. P.H.D University Student of Islamic History in Tehran U. and the Member of Scientific Board of Payam-e-Noor U., Harsin Branch

منابع و مأخذ

۱. اسفراینی، طاهر بن محمد ابوالمظفر، (۱۴۰۳هـ)، *التبصیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه*، تحقیق کمال یوسف الحوت، بیروت، دار عالم الکتب.
۲. اشعری، علی بن اسماعیل ابوالحسن، (بی تا)، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، تحقیق هلموت ریتز، بیروت، دار إحياء التراث، ط ۳.
۳. ایجی عزالدین عبدالرحمن بن احمد، (۱۴۱۷هـ)، *المواقف*، ج ۳، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت، دارالجمیل، ط ۱.
۴. ایزدی، مهرداد، (۲۰۰۲م)، *الديانة و الطوائف الدينية فی كردستان*، تعریب کامران فهیمی، سلیمانیه، مطبوعه الفكر والوعی.
۵. بدران، عبدالرحمن، (۱۸۷۶م)، «الیزیدیه فی كردستان»، *مجله الجنان*، العدد ۷، بیروت.
۶. بدرخان، جلادت، (۱۳۶۹/۷۰ش)، «نماز و نیایشهای کردان ایزدی»، ترجمه‌ی احمد شریفی، *مجله‌ی چیستا*، ش ۸۰.
۷. بدلیسی، امیر شرفخان بن شمس‌الدین، (۱۳۷۷ش)، *شرفنامه (تاریخ مفصل كردستان)*، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، تهران، اساطیر، چ ۱.
۸. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد، (۱۹۷۷م)، *الفرق بین الفرق*، بیروت، دار الآفاق الجدیده.
۹. تونجی، محمد، (۱۹۹۹/۵۱۴۲۰م)، *الیزیدیون (واقعهم، تاریخهم، معتقداتهم)*، بیروت، المکتبه الثقافیه، ط ۱.
۱۰. تیمور، پاشا احمد، (۱۳۴۷هـ)، *الیزیدیه و منشأ نحلتهم*، القاهره، المطبوعه السلفیه و مکتبته، ط ۱.
۱۱. جراد، خلف (۱۹۹۵م)، *الیزیدیه و الیزیدیون*، اللادقیه سوریا، دارالحوار، ط ۱.
۱۲. جول بگ، اسماعیل، (۱۹۳۴م)، *الیزیدیه قديماً و حديثاً*، نشر و تحقیق قسطنطین زریق، بیروت، المطبوعه الأميرکانيه، ط ۱.
۱۳. حبیب، جورج، (۱۹۷۸م)، *الیزیدیه بقايا دين قديم (بحث تاریخی)*، بغداد، مطبوعه المعارف، ط ۱.

۱۴. حبیب، کاظم، (۲۰۰۳م)، *الایزیدییه دیانه قدیمه تقاوم نوائب الزمن*، أربیل، دارتاراس للنشر الکردی، ط ۱.
۱۵. حسنی، عبدالرزاق، (۱۹۸۷م)، *الیزیدیون فی حاضرهم و ماضیهم*، بغداد، مکتبه الیقظه العربیه، ط ۱۱.
۱۶. حسو، درویش، (۱۹۹۲م)، *لازدهیون الیزیدیون*، بون-آلمانی، مرکز النشر الزرادشتیه، ط ۱.
۱۷. حصین، أحمد بن عبدالعزیز، (۱۴۲۱هـ)، *الیزیدییه (عبده الشیطان)*، الرياض، دار عالم الکتب، ط ۱.
۱۸. حنفی، عبدالمنعم، (۱۹۹۹م)، *موسوعه الفرق و الجماعات و المذاهب و الأحزاب والحركات الإسلامیه*، بیروت، مکتبه مدبولی، ط ۲.
۱۹. حقی اوزون چارشلی، اسماعیل (۱۳۷۰ش)، *تاریخ عثمانی*، ترجمه‌ی ایرج نوبخت، تهران، کیهان.
۲۰. حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۷م)، *معجم البلدان*، ج ۵، بیروت، دارالفکر.
۲۱. خیون، رشید، (۲۰۰۳م)، *الأديان و المذاهب بالعراق*، کولونیا-آلمانی، منشورات الجمل، ط ۱.
۲۲. درور، لیدی، (۱۹۶۱م)، *فی بلاد الرافدین (صور و خواطر)*، تعریب فؤاد جمیل، بغداد، مطبعه شفیق، ط ۱.
۲۳. دملوجی، صدیق، (۱۳۶۸/۱۹۴۹م)، *الیزیدییه*، الموصل، مطبعه الإتحاد، ط ۱.
۲۴. دیوه جی، سعید، (۲۰۰۳م)، *الیزیدییه*، بیروت، مؤسسه العربیه للدراسات و النشر، ط ۱.
۲۵. رشید یاسمی، غلامرضا، (۱۳۶۳ش)، *کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*، تهران، امیرکبیر، ج ۲.
۲۶. زکی بگ، محمدمین، (۱۹۳۶م)، *خلاصه تاریخ الکرد و کردستان (من أقدم العصور التاريخیه إلى الآن)*، تعریب محمدعلی عونى، القاهرة، مطبعه السعاده.
۲۷. زند، کریم، (۱۹۷۳م)، *الدین و الاعتقاد فی کردستان*، موصل، بی نا.
۲۸. سحمرانی، اسعد، (۱۴۱۷/۱۹۹۷م)، *الصائبه، الزرادشتیه، الیزیدییه*، بیروت، دارالنفائس للطباعه و النشر و التوزیع، ط ۱.

۲۹. سعیدسمو، آزاد، (۱۴۲۲/۵/۲۰۰۱م)، *الیزیدیه من خلال نصوصها المقدسه*، بیروت، دارالمکتب الإسلامی، ط ۱.
۳۰. سلیم باقصری، عزالدین، (۲۰۰۳م)، *الیزیدیه (أصلهم، تسمیتهم و...)*، دهوک، مرکز لالش الثقافي و الإجتماعی.
۳۱. سمعانی، عبدالکریم، (۱۹۹۸م)، *الأنساب*، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالفکر.
۳۲. شهرستانی، ابوالفتح عبدالکریم، (۱۹۸۴م)، *الملل و النحل*، تحقیق محمد سیدگیلانی، بیروت، دارالمعرفه.
۳۳. صائغ الموصلی القس، سلیمان، (۱۹۲۳م)، *تاریخ الموصل، القاهره*، المطبعه السلفیه.
۳۴. صائغ، داوود بن الیاس، (۱۸۸۷م)، *الیزیدیه (تاریخهم و اعتقادهم و أسرار دیاتهم و بعض کتبهم)*، نسخه ی خطی، دهوک، مرکز لالش، ش آرشیو ۴۵.
۳۵. صالح، عبدالقادر، (۲۰۰۳/۵/۱۴۲۴م)، *العقائد و الأدیان*، بیروت، دارالمعرفه، ط ۱.
۳۶. عزاوی، عباس، (۱۹۳۵/۵/۱۳۵۴م)، *تاریخ الیزیدیه و أصل عقیدتهم*، بغداد، مطبعه بغداد.
۳۷. فتاح، شاکر، (۱۹۶۹م)، *الیزیدیون و الدیانة الیزیدیه*، سلیمانیه، مطبعه کامران، ط ۱.
۳۸. فیستر، جرنوت، (۱۹۹۴م)، «تاریخ الشعب الیزیدی و دیانتہ»، تعریب فرهاد ابراهیم، *مجله لالش، العدد ۳-۲*.
۳۹. فیلد، هنری، (۲۰۰۱م)، *جنوب کردستان، دراسه انتروبولوجیه*، تعریب جرجیس فتح الله، آرییل، دارناراس، ط ۱.
۴۰. کاظم، عبود زهیر، (۲۰۰۳م)، *الیزیدیه (حقائق و خفایا و أساطیر)*، آلمانیا، مرکز قنذیل للنشر و الإعلام، ط ۱.
۴۱. _____، (۱۹۹۵م)، *لمحات عن الیزیدیه*، بغداد، مکتبه النهضه، ط ۱.
۴۲. گورانی، علی سیدو، (۱۹۹۶م)، *من عمان إلى العمادیه (جوله فی کردستان الجنوبیه)*، عمان، دارالبشیر، ط ۲.
۴۳. ماری، الکرملی انستاس، (بی تا)، *الیزیدیه*، نسخه ی خطی، دهوک، آرشیو مرکز فرهنگی - اجتماعی لالش، ش ۳۴.
۴۴. مایی، انور، (۱۹۹۹م)، *إماره بهدینان*، دهوک، مطبعه خهبات، ط ۲.

۴۵. مناوی، محمد عبدالرؤف، (۱۴۱۰هـ)، التعاریف، تحقیق محمد رضوان الدایه، بیروت - دمشق، دارالفکر المعاصر.
۴۶. موسوعه الأدیان فی العالم، (۲۰۰۰م)، یاشراف جمیل مدبک، بیروت، دارکریس
انترناشیونال، ط ۱.
۴۷. نوری پاشا، احسان، (۱۳۳۳ش)، تاریخ ریشه‌ی نژاد دی‌گرد، تهران، چاپخانه‌ی سلطنتی
سپهر، چ ۱.
۴۸. نیکیتین، واسیلی (۱۳۷۸ش)، کرد و کردستان (بررسی جامع از دیدگاه سیاسی، جامعه
شناسی و تاریخی)، ترجمه‌ی محمد قاضی، تهران، کانون فرهنگی انتشاراتی درایت با
همکاری مرکز حفظ و نشر آثار محمد قاضی، چ ۳.
۴۹. هاشمی طه، (۱۹۳۰م)، مفصل جغرافیه العراق، بغداد، بی نا، ط ۱.

Izady, Mehrdad, (۱۹۹۲), *The Kurds*, Washington.

Luke Harry, Charles, (۱۹۲۵) *Mosul and its minorities*, London.

The Encyclopedia Americana, (۱۹۷۳) International Edition, Vol. ۲۹,
New York, Americana Corporation.

The New Encyclopedia Britannica, (۱۹۹۸), ۱۵th Edition, Vol. ۱۲,
Chicago-London.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.